

ماجرای رها شدن شیخ انصاری از زنجیر ضخیم شیطان

۱۱ مرداد ۱۳۹۳ ساعت ۱۶:۳۹

نوه شیخ مرتضی انصاری گفت: آن مرحوم می گفت ما وقتی وجوهات را از مردم می گیریم می گوئیم ان شاءالله امام زمان(عج) پذیرند زیرا این وجوهات متعلق به امام زمان(عج) است پس اگر بیش از طلبگی زندگی کنیم مثل این است که این آب چرک را نوشیده ایم.

حجت الاسلام محمد حسن انصاری، نوه شیخ انصاری در رابطه با این عالم بزرگ بیان داشت: ایشان در ۱۸ ذیحجه سال ۱۲۱۴، در روز غدیر، در دزفول و در خاندانی اهل فضل و ادب به دنیا آمد. نسب شیخ مرتضی انصاری به جابر بن عبدالله انصاری، از صحابه حضرت محمد(ص) می رسد. بیان شده است که مادر ایشان هرگز بدون وضو به فرزندش شیر نمی داد.

من در سفرهای متعدد ۵۰ مجتهد مسلم دیدم اما هیچ کدام به مقامات شیخ انصاری نیستند

وی ادامه داد: ملا احمد نراقی در رابطه با شیخ مرتضی انصاری می گفت من در سفرهای متعدد ۵۰ مجتهد مسلم دیدم اما هیچ کدام به مقامات شیخ انصاری نیستند، شیخ مرتضی انصاری شاگردان بسیار زیادی را تربیت نمود که بسیاری از آنان، عالمانی نامور و مجتهدانی قوی شدند، از جمله شاگردان ایشان می توان به میرزا محمد حسن شیرازی و سید جمال الدین اسدآبادی از جمله شاگردان شیخ انصاری بودند.

ملاقات دختر ناصرالدین شاه با شیخ انصاری و خشمگین شدن شیخ به او

نوه شیخ انصاری با بیان این مطلب که شیخ انصاری زندگی بسیار فقیرانه ای داشت گفت: یک روز دختر ناصر الدین شاه، برای دیدار شیخ انصاری، وارد خانه وی در نجف اشرف شد، شاهزاده وقتی وضع اتاق را دید، نتوانست احساس خویش را پنهان کند و گفت اگر مجتهد این است، پس حاج ملا علی کنی چه می گوید؟ هنوز سخنش تمام نشده بود که شیخ انصاری از جا بلند شد و با ناراحتی فرمود: چه گفتی؟ این کلام کفرآمیز چه بود؟ بلند شو و از نزد من دور شو، حتی یک لحظه هم در اینجا نمان، زیرا می ترسم عقوبت تو، مرا هم بگیرد.

وی افزود: دختر شاه از تهدیدات شیخ به گریه افتاد و گفت آقا توبه کردم، نفهمیدم، مرا عفو کنید، شیخ او را بخشید و فرمود تو

کجا و اظهار نظر درباره ملا علی کنی کجا؟! او حق دارد و باید آن طور زندگی کند، زیرا در مقابل پدر تو باید همان گونه زندگی کرد، ولی من در میان طلاب و مستمندان هستم باید وضعم و امور زندگیم همانند همین انسان ها باشد.

حجت الاسلام انصاری در پایان خاطرنشان کرد: آیت الله مطهری درباره شیخ انصاری می گوید به شیخ لقب خاتم المجتهدین داده اند زیرا پس از ایشان کسی نیامده که بتواند مکتب وی را دگرگون کند.

بیایید همگی در درس این جوان حاضر شویم

حجت الاسلام سید مصطفی میرلوحی، کارشناس و پژوهشگر دینی در ادامه برنامه ضیافت در رابطه با شخصیت شیخ انصاری گفت: ایشان عالم و مجتهد بزرگی بوده است که مرجعیتش جهانگیر بوده روزی مرحوم آیت الله کوه کمره ای، نیم ساعتی پیش از شروع تدریس در محل برگزاری کلاس درس خود حاضر و در گوشه ای نشسته بود در این هنگام طلبه ای را مشاهده می کند که به چند طلبه دیگر بسیار عالمانه درس را توضیح می دهد.

وی اضافه کرد: فردای آن روز آیت الله کمره ای مخصوصاً خود را زودتر به آنجا می رساند و متوجه می شود که آن طلبه گمنام بهتر از او تدریس می کند، وقتی کلاس درس او تشکیل می شود رو به جمع کرده، با اشاره به آن طلبه می گوید: رفقا! این شخص، درس را بهتر از من می گوید و من خود، از او استفاده می برم، بیایید همگی در درس ایشان حاضر شویم و آن شخص در حقیقت شیخ مرتضی انصاری بوده است. این داستان علاوه بر علم بالای شیخ انصاری گویای تواضع عالمی مانند آیت الله کمره ای است.

توصیف زندگی شیخ انصاری از زبان مادرش

این پژوهشگر دینی بیان داشت: مادر شیخ انصاری درباره زندگی فرزندش در زمانی که شیخ مرجع بوده اند بیان داشته که ما الان هم که ایشان مرجع اعلی است دقیقاً مانند روزی زندگی می کنیم که او در دزفول طلبه بود. خانم ایشان هم روزی در حیات خانه مشغول شستن لباس در تشت بود و در همان حال به شیخ انصاری گلایه می کند که چرا با این که زندگی مان این قدر سخت است کمی مشکلات را کم نمی کنی؟

وی بیان داشت: شیخ انصاری در جواب همسرش به تشت اشاره می کند و می گوید پول ها وجوهات است و این یعنی این پول ها متعلق به امام زمان(عج) است ما وقتی پول را می گیریم می گوییم ان شاءالله امام زمان(عج) بپذیرند پس اگر بیش از طلبگی زندگی کنیم مثل این است که این آب چرک را نوشیده ایم.

حجت الاسلام میرلوحی اظهار داشت: روزی همسر شیخ انصاری از او خواست تا چادرشبی برای پوشانیدن رختخواب های منزل

که شیخ انصاری موقع درس دادن به آن تکیه می دادند خریداری کند. شیخ قبول نمی کند همسر شیخ، پس از ناامید شدن از جلب موافقت شیخ، در خرید گوشت صرفه جویی می کند و در نهایت می تواند با بقیه پس انداز پول چادرشبی تهیه کند.

وی تصریح کرد: وقتی شیخ، آن چادر را می بیند، چگونگی خرید آن را پرس و جو می کند و بعد با ناراحتی می گوید الان فهمیدم که می توان با گوشت کمتر هم سر کرد و بعد دستور می دهد تا آن چادر شب را پس دهند و پولش را نیز بین مستمندان تقسیم می کنند.

ماجرای توسل شیخ انصاری و پناه بردن او به حرم برای فرار از ریاست

وی تأکید کرد: یکی از خصوصیات بزرگان این است که به دنبال ریاست نبوده اند، وقتی شیخ محمد حسن نجفی اصفهانی صاحب جواهر استاد شیخ انصاری لحظات آخر را می گذراند همه شاگردان خود را برای انتخاب فرد بعد از خود جمع می کند اما هرچه نگاه می کنند می بینند شیخ انصاری نیست به دنبال او که می روند متوجه می شوند که شیخ به حرم رفته است و عمامه را به ضریح وصل کرده و به امام(ع) متوسل شده تا ریاست را به او ندهند.

رهایی شیخ از طناب شیطان

وی بیان داشت: یکی از شاگردان شیخ انصاری(ره) می گوید زمانی که در نجف اشرف و نزد شیخ انصاری به تحصیل مشغول بودم، شبی شیطان را در خواب دیدم که طناب های متعددی در دست داشت، پرسیدم: این بندها برای چیست؟ پاسخ داد اینها را به گردن مردم می اندازم و آنها را به سمت خویش می کشم و به دام می اندازم، هرکدام از این طناب ها برای یک شخص است زنجیری را دیدم که کلفت بود شیطان گفت روز گذشته این زنجیر را به گردن شیخ مرتضی انصاری انداختم و او را از اتاقش تا وسط کوچه کشیدم، ولی علیرغم زحمات زیادم، شیخ از قید رها شد و برگشت.

مهمان برنامه ضیافت گفت: وقتی از خواب بیدار شدم، در تعبیر آن به فکر فرو رفتم. پیش خودم گفتم بهتر است که از خود شیخ تعبیرش را بپرسم از این رو، به حضور ایشان رسیدم، خواب خود را که برای ایشان تعریف کردم فرمودند شیطان راست گفته است زیرا آن ملعون می خواست مرا فریب دهد که به لطف خدا از دامش گریختم.

حجت الاسلام میرلوحی تصریح کرد: شیخ انصاری در تعبیر آن خواب گفت دیروز، من پول نداشتم، اتفاقاً چیزی در خانه لازم داشتیم، با خود گفتم یک ریال از مال امام زمان(عج) نزدم موجود است و هنوز وقت مصرفش نرسیده است، به عنوان قرض برمی دارم و روزهای بعد ادا خواهم کرد. یک ریال برداشته از خانه خارج شدم، همین که خواستم پول را خرج کنم، با خودم گفتم از کجا معلوم که من بتوانم این قرض را ادا کنم؟ و در همین اندیشه و تردید بودم که تصمیم خود را گرفتم، چیزی نخریدم و به خانه برگشتم و پول را سرجای خود گذاشتم.

وی در رابطه با حالات و اعمال شیخ انصاری بیان داشت: ایشان همیشه مقید بودند که صبح ها به حرم امیرالمؤمنین بروند و بعد از زیارت، زیارت عاشورا را با صد سلام و صد لعن بخوانند.

حجت الاسلام میرلوحی در پاسخ به مجری برنامه ضیافت درباره حال جسمی آیت الله مهدوی کنی گفت: خدا را شکر ایشان بهتر هستند مسئله بهبود سلول های مغزشان کمی کند پیش می رود اما روند درمانشان مثبت و روبه رشد است، اتفاقاً بعد از ظهر که می خواستم به برنامه ضیافت بیایم خواب دیدم که ایشان پشت میزشان نشسته اند و مبلغی را به من دادند و گفتند این مبلغ را ببر و به عده ای بده.

آدرس مطلب :

<https://www.cafetarikh.com/news/۲۷۶۵۸/شیطان-ضخیم-زنجیر-انصاری-شیخ-شدن-رها-ماجرای>